

اسلوب اعتراض در بلاغت قرآن کریم

□ حجت الاسلام و المسلمین عزت الله مولایی نیا *

چکیده

اسلوب اعتراض یکی از اسالیب گسترده قرآن کریم است و با شاکله‌ها و ساختارهای گوناگونی چون تک جمله، شبه جمله، دو جمله و سه جمله به کار رفته است. از نظر موارد کاربردی، اغراض، فواید و روابط آن با پیام و اندیشه‌های اصلی، همچنین از نظر جایگاه موقعیتی در ساختار کلام، گاهی در آغاز کلام، گاه در وسط و گاهی نیز در پایان آن به صورت اعتراض تبدیلی قرار گرفته و دارای هزاران نکته و لطایف بلاغی، اعجاز بیانی، محتوایی و لفظی است. و بر اساس پژوهش، بیش از پانصد آیه از این اسلوب حجم بزرگی از قرآن را به خود اختصاص داده است. تاکنون هیچ نگارش مستقل و فراگیری پیرامون این مسئله حیاتی سامان نیافته است و بحث‌های پراکنده و جزئی هم که از نیمه‌های دوم قرن سوم آغاز شده، این موضوع مهم را به عنوان یک اسلوب کلی و کلان ندیده‌اند. از این رو، کشف و ارائه نکته‌ها و لطایف بی‌شمار بلاغی و اعجاز بیانی آن در فهم مقاصد خداوند، حیاتی و سرنوشت‌ساز خواهد بود. نوشتار حاضر ضمن بررسی اجمالی عرصه‌های یاد شده، زمینه‌های تحقیقی آن را پیشنهاد می‌نماید.

کلید واژه‌ها: تحلیل، بررسی، اسالیب، اعتراض، قرآن.

* عضو گروه تاریخ اسلام مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی و استادیار دانشگاه قم.

قرآن کتابی الهی با ویژگیهای خاص خود در تألیف، سبک و عرضه مطالب است. این کتاب آسمانی برای بیان پیامها و مقاصد خود از اسلوبهای گوناگونی استفاده نموده است که قطعاً درک صحیح مقاصد و پیامهای روح افزای آن به شناخت دقیق آن اسالیب از ابعاد گوناگون بستگی کامل دارد. بدون آشنایی با سبکها و اسالیب بیانی قرآن، هرگز در کشف مقاصد آن موفق نخواهیم شد. اسلوبهای اعتراض از جمله مسائل بنیادین و از شیوه‌های کارساز حوزه ادب عربی است و در گستره قرآن کریم به گونه وسیعی به کار رفته است. اما این مسئله علی‌رغم کاربردهای فراوان آن در نظم و نثر عربی، به ویژه در آیات قرآن - که دارای اعجاز بیانی است و در مقام تحدی و از روی حکمت مطلقه حق نازل شده است - در هیچ یک از عرصه‌های تفسیری و ادبی به گونه فراگیر و علمی مورد بحث و بررسی دقیق قرار نگرفته است براساس تحقیق و تفحص در نگارشهای قرآنی در حوزه‌های متنوع ادبی، تفسیری و دانشهای قرآنی، تاکنون نگارش مستقلی در این زمینه سامان نیافته است و آن دسته از پژوهندگان حوزه‌های ادبی قرآن نیز که در کنار مسائل دیگر ادبی متعرض آن شده‌اند، تنها به مسائل ابتدایی آن پرداخته و سخن یکدیگر را تکرار کرده، و از بیان اسرار و دقایق و نکته‌های بی‌شمار بلاغی، تفسیری و... آن غافل مانده‌اند. در بیش از پانصد آیه در گستره قرآن، اسلوب اعتراض به کار رفته و هزاران نکته بلاغی و علمی در این آیات نهفته است که بر اثر عدم پژوهش، نقد و بررسی موارد و اغراض، فواید و آثار بلاغی آن، از انظار پژوهندگان حقایق زلال قرآن به دور مانده است.

اکنون با توجه به نکته‌های یاد شده و نیاز مبرم پویندگان حقایق قرآنی و رسالتی که بر دوش پژوهشگران قرآنی در عرصه بیان و پاسداری از حریم مقدس قرآن نهاده شده است، همچنین نیاز حوزه تفسیری قرآن به شناخت کامل اسلوبهای بیانی آن برای کشف و شفاف‌سازی مقاصد خداوند، «اسالیب اعتراض» در قرآن را بررسی می‌کنیم. مطالب این نوشتار در عین اختصار در چند بخش مطرح می‌شود. الف - کلیات. ب - موارد اعتراض در قرآن. ج - اغراض و اهداف بلاغی آن در

قرآن. د) آثار بلاغی اعتراض در قرآن.

هدف این مقاله بررسی جوانب گوناگون «اسالیب اعتراض» در کشف و ارائه راهکارهای مناسب در فهم مقاصد و اندیشه‌های اصلی آیات در کنار اندیشه‌های اعتراضی است.

اهمیت و ضرورت بحث

پیش از هر چیز این پرسش مطرح می‌گردد که چه ویژگی‌هایی در تألیف و چینش و آرایش آیات قرآنی وجود دارد که سبب عرضه متنوع موضوعات و در عین حال هماهنگی آنها شده است. در پاسخ این پرسش باید گفت که قاعده و میزان حاکم بر قرآن همان شیوه و اسلوب استطراد است. قاعده استطراد آن است که گوینده به خاطر مناسبتی در سخن، به آرامی کلام را از موضوع اصلی، انتقال دهد و پس از تشریح و تبیین آن، دوباره به موضوع اصلی سخن باز گردد و این شیوه را با حفظ تنوع و طراوت ارائه مطلب، بدون آنکه به پریشان‌گویی دچار شود ادامه دهد. فهم پیام اندیشه اصلی گوینده، مرهون شناخت اندیشه‌های استطرادی و جداسازی اجمالی آنها از اندیشه اصلی است؛ هدفی که گاه و بی‌گاه در پس اندیشه‌های استطرادی رخ نهان می‌کند و پس از بازشناسی مرز اندیشه‌های استطرادی از اصلی، رخسار بیرون می‌کشد و خود را به نمایش می‌گذارد (برای توضیح بیشتر رجوع شود به: سیوطی ۱۹۷۳: ۹؛ زرکشی ۱۳۹۱: ۴۹).

اسلوبهای اعتراض در قرآن کریم، زیرمجموعه قاعده استطراد است؛ یعنی با شناسایی اسالیب اعتراض و تفکیک آنها از اندیشه‌ها و پیامهای اصلی، کلید فهم پیامها و اندیشه‌های اصلی فراهم می‌آید، و زمینه فهم مقاصد آنها - در قالب چهره و پیکره هماهنگ و دارای هدف مشترک - به وجود می‌آید.

پیشینه تاریخی اسلوب اعتراض

اسالیب اعتراضی از نظر کاربردی همچون دیگر اسالیب بیان، باید همزمان با پیدایش زبان به وجود آمده باشد. این اسلوب در همه زبانهای جاری عرب جریان

یافته، از تمامی اسالیب رایج آن روز در مقام تحدی استفاده کرده و همه عالم را جهت مقابله به مثل فراخوانده است. از این رو، اسالیب اعتراض برای اهل زبان امری کاملاً شناخته شده بوده است.

اسالیب اعتراض، خواه در زبان عرب و خواه در حوزه آیات قرآن کریم، تا نیمه دوم قرن سوم هجری در قلمرو دانش نحو- علی رغم آشنایی کامل پژوهشگران علم نحو در سده های اول، دوم و سوم اسلامی مانند: خلیل بن احمد فراهیدی (ت ۱۷۰ق)، سیبویه (ت ۱۸۰ق)، فرا (۲۰۷ق)، ابوالعباس میرد (ت ۲۱۵ق) و زجاج (ت ۳۱۱ق) - مورد نقد و بررسی قرار نگرفته و حتی هیچ اشاره ای هم به آن نشده است. نگارنده شخصاً دهها نگارش از آثار نحویان قرنهای یاد شده را از جمله شرح شواهد الکتاب، تألیف د. عبدالمنعم خفاجی و شرح شواهد کتاب سیبویه، ابوجعفر نحاس (ت ۳۳۸ق) به تحقیق احمد خطاب، براساس شمارش نحاس و خفاجی مورد به مورد ارزیابی کردم. با اینکه حدود یکصد و شانزده مورد از شواهد آن، دارای جمله معترضه بود، اما مولف و شارحان آن، هیچ اشاره های به این اسلوب حکیمانه نداشتند، به جز یک مورد که سیبویه آن را «حشو» نامیده بود. در کتاب الجمل، منسوب به خلیل بن احمد فراهیدی و شرح جمل زجاجی و المقتضب و الکامل میرد و معانی القرآن فرا نیز پس از بررسی به هیچ موردی برخورد نکردیم. بنابراین، در حوزه دانش نحو تا نیمه اول قرن چهارم اسلامی، اسلوب اعتراض مطرح نبوده است. در عین حال دقیقاً مشخص نیست چه کسی برای اولین بار آن را مطرح کرده است. در نگارشهای ابوعلی فارسی (ت ۳۷۷ق) این بحث مطرح شده است، چون نحویان در مورد وقوع بیش از یک جمله معترضه، اختلاف نظر پیدا کرده اند، و منع آن را به ابوعلی فارسی نسبت داده اند. اما با مراجعه به برخی از کتابهای ابوعلی فارسی خلاف آن ثابت می شود و روشن می گردد که وی چنین نظریه ای نداشته و وقوع چندین جمله معترضه را در یک جا جایز می دانسته است. (نک: فارسی ۱۴۰۷: ۱۴۳-۱۴۳؛ ناصر البدر ۱۴۲۰: ۱۳۶). ابوالفتح ابن جنی (ت ۳۹۲ق). دست پرورده ابوعلی فارسی، در کتاب خصائص، باب کوتاهی را برای آن گشوده و مواردی را مورد نقد و بررسی قرار داده است. با وجود این، نحویان بعد از او هم تلاش قابل ذکری

درباره آن نکرده اند. تنها پژوهشگر نحوی که مسائل جمله های معترضه را نسبتاً جامع بررسی کرده، ابن هشام انصاری (ت ۷۶۱ق) است. لیکن او هم اسلوب اعتراض را به عنوان اسلوبی از اسالیب بیان قرآن نقد و بررسی نکرده، بلکه بدون ورود به آثار بلاغی و اغراض و فواید و دلایل کاربرد آن، تنها به بیان موارد آن بسنده کرده است. از زمان ابن هشام تا به امروز نحویان متجدد هم تلاش چشمگیری در این زمینه نکرده اند، بلکه تنها با ذکر چند مثال تکراری به تعریف آن بسنده نموده اند.

اسلوب اعتراض و نگارشهای عالمان بلاغت

به جمله های معترضه در نگارشهای پژوهندگان علم بلاغت بیش از نگارشهای نحویان میدان داده نشده است، بلکه عالمان بلاغت نیز همچون آنها ضمن تعریف و بیان برخی از اغراض آن، تنها به ذکر موارد و شواهد تکراری اکتفا کرده و هیچ تلاش مؤثری برای نوآوری و کشف اسرار حکیمانه قرآن انجام نداده اند. (نک: زویعی ۱۹۹۷: ۱۷۵). با این حال، میدان داران بلاغت در طرح و نقد و بررسی «اسلوب اعتراض» بر نحویان پیشی گرفته اند. کسانی مانند اصمعی (ت ۲۱۶ق)، قدامه بن جعفر (ت ۳۲۷ق)، عبدالله بن معتر (ت ۲۶۱ق)، تفتازانی (ت ۷۹۱ق) و خطیب قزوینی (ت ۷۳۹ق).

۱. گرچه از بعضی شواهد تاریخی استفاده می شود که علی بن حمزه کسانی (ت ۱۸۵ق) در نقد و بررسی نقائص اشعار جریر بدان اشاره کرده است. دیدگاههای گوناگون پژوهشگران بلاغی را مورد نقد و بررسی عملی قرار داده اند، اما از خطیب تا به امروز، علی رغم تلاشهای صورت گرفته، جمله های معترضه به عنوان یکی از اسالیب حکیمانه قرآن کریم، با آن همه حجم گسترده مورد بحث و بررسی جداگانه ای قرار نگرفته است (نک: قدامه بن جعفر ۱۹۹۷: ۱۵۰؛ ابن المعتز ۱۹۵۱: ۵۹-۶۰؛ قیروانی ۱۹۹۹: ۶۳۷-۶۴۳؛ تفتازانی، ۲۳۶-۲۳۹؛ خطیب قزوینی ۱۹۴۹: ۱۵۹/۶ و ۲۱۴/۳-۲۲۱).

اسلوبهای اعتراضی در نگارشهای قرآنی

در میان پژوهشگران اسلامی، میدان داران علوم قرآن و تفسیر بیش از دیگر گروهها اسالیب اعتراض در قرآن را مورد دقت و نظر علمی قرار داده اند،

گرچه این گروه نیز نگارش مستقلی در این زمینه از خود بر جای نگذاشته‌اند و اغلب در لابلای مباحث علوم قرآنی فصل کوتاهی را سامان داده و با همان روش نحویان از معدودی مثال تکراری تجاوز نکرده‌اند. البته در میان میدان‌داران تفاسیر ادبی، جاراالله زمخشری (ت ۵۲۸ق) پیشرو و سمین حلبی و ابن عطیة اندلسی (ت ۷۵۶ق) و ابوحنیان اندلسی ناقد و مکمل یافته‌های وی بوده‌اند، همین بی‌توجهی پژوهندگان میدان ادب و تفسیر به این اسلوب قرآنی از یک سو و احساس خلأ آن در مجموعه نگارشهای قرآنی از سوی دیگر، ما را ملزم می‌نماید که همه موارد و کاربردهای آن را در قلمرو سور قرآنی مورد ارزیابی دقیق قرار دهیم و اغراض و آثار بلاغی آنها را کشف کنیم و در نتیجه رسالت و جایگاه این اسلوب حکیمانه را در میان مجموعه آیات قرآن کریم شناسایی و به حوزه تفسیر معرفی نماییم، تا در جهت‌گیریهای تفسیری خود آنها را مورد توجه جدی قرار دهند و شاید از این رهگذر فصل نوینی در تفسیر این مجموعه آیات به وجود آید.

اعتراض در دیدگاه لغت‌شناسان

نحویان و عالمان بلاغت و پژوهشگران حوزه قرآنی از «اعتراض» برداشت‌های گوناگونی دارند و هر گروهی آن را با نگرش ویژه خود تفسیر کرده است. عالمان بلاغت با آنکه نگرش بلاغی به کلام دارند، خود در تعریف، کیفیت، کمیت و قیود آن به پنج گروه تقسیم شده‌اند. چون نگرش نحویان، عالمان بلاغت و جامعه قرآنی براساس تفسیر اهل لغت از این اسلوب است، از این رو، نخست دیدگاه لغت‌شناسان را بررسی می‌کنیم و آنگاه به نقد و بررسی آرای عالمان نحو و بلاغت و علوم قرآنی می‌پردازیم. از مجموعه بیان لغت‌شناسانی چون ابن‌درید، اسماعیل جوهری، فیروز آبادی، فیومی، زمخشری، ابن‌منظور مصری و لويس معلوف و... استفاده می‌شود که اعتراض از ماده «ع ر ض» به معانی بروز، ظهور، انحراف از مسیر، مانع و به طور کلی نوعی تحول، عدول، تغییر، قطع و جدا کردن است، که در برابر چیزی و یا در میان چیزی قرار گرفته و روند عادی و نظم و چینش آن را به هم می‌زند. معنای اصطلاحی آن نیز از همین مضمون گرفته شده است (بنگرید به: ابن‌درید: ۱۹۱۷: ۷۷۷/۲).

جوهری ۳/ ۱۰۸۲؛ فیروزآبادی ۱۳۷۱: ۲/ ۳۴۷ - ۳۴۸؛ فیومی ۱۳۴۷: ۵۹-۶۱؛ ابن‌منظور ۱۴۰۰: ۱۷/ ۱۶۸-۱۶۹؛ زمخشری ۱۴۰۱: ۲۹۸-۲۹۹).

اعتراض در نگاه نحویان

نحویان در تعریف اعتراض از جهت ایجاز و اطناب شیوه‌های متفاوتی دارند به نظر می‌رسد جامع‌ترین تعریف را در میان نحویان عبدالرحمن سیوطی (ت ۹۱۰ق) به تصویر کشیده و می‌گوید: «هی‌الشی تعترض بین شئین متلازمین لتوکید الکلام أو توضیحه أو تحسینه، وتکون ذات علاقة معنویة بالکلام الذی اعترضت بین أجزائه و لیست معموله لشی منه» (ناصرالبدر ۱۴۲۰: ۱۱۳۳) دیگر نحویان، خواه پیش از سیوطی و خواه بعد از وی، با تفاوت اندکی همین معنا را در نظر گرفته‌اند، با توجه به داده‌های این تعریف نتایج ذیل از آن استفاده می‌گردد:

۱. نحویان از آغاز تاکنون از زاویه اعراب و بنا به جمله‌های معترضه نگرسته و آن را در ضمن جمله‌هایی که محلی از اعراب ندارند، مورد بحث و بررسی قرار داده و از دیگر آثار آن بحثی نکرده‌اند.

۲. از دیدگاه نحویان، جمله معترضه تنها در میان اجزای یک کلام و یا در میان دو کلام متصل به هم قرار می‌گیرد، نه در آغاز و نه در پایان کلام، و تنها جنبه تأکیدی دارد و حذف آن خللی در روند پیام اصلی وارد نمی‌سازد.

۳. جمله معترضه با طرفین خود هرگز ارتباط لفظی ندارد، و آن دو هیچ گونه روابط عامل و معمولی با هم ندارند، اما میان ماقبل و مابعد آن حتماً باید ارتباط لفظی برقرار باشد و نه تعامل معنوی، و این برداشت متأثر از تفسیر لغوی آن بوده است.

۴. در تعریفهای نحویان - با توجه به صدها آیه از جمله‌های معترضه در قرآن و آثار بلاغی و تفسیری فراوان آن در فرهنگ گسترده قرآنی - نه زمینه‌های کاربردی آنها بررسی شده است و نه نگاهیم تفسیری آنها.

۵. نحویان در بررسی موارد و اغراض جمله‌های معترضه، تنها به مثالهایی که در بیشتر نگارشها تکرار شده بسنده کرده‌اند و از بررسی دیگر آیات و مثالها و یا ابعاد

دیگر آنها، صرف نظر و یا غفلت کرده‌اند.

۶. با آنکه علوم بلاغت و تفسیر و علوم قرآن براساس اصول تعریف شده علم نحو بنا شده و نحویان از آثار بلاغی و تفسیری آن آگاهی کافی داشته‌اند، در عین حال در نگارشهای نحوی چندان بهایی بدان داده نشده و حتی تا قرن چهارم در نوشتارهای نحوی مطرح نگردیده است.

اسلوب اعتراض از نگاه بلاغی

در بیشتر نگارشهای بلاغی «اسلوب اعتراض» به «هو أن یوقی فی اثناء الکلام، أو بین کلامین متصلین معنی، بجملة أو أكثر، لاملح لها من الإعراب، لئکنة سوی ما ذکر فی تعریف التکمیل»، تعریف شده و با ذکر شواهدی، توضیح داده شده است. گروهی از پژوهشگران بلاغت قید آخری یعنی «سوی» را لحاظ نکرده، و فائده آن را برای دفع ابهام خلاف المقصود نیز توسعه داده‌اند، آنگاه خود به دو گروه تقسیم شده‌اند: گروهی وقوع «اسلوب اعتراض» را در پایان و یا آغاز کلام هم علاوه بر وقوع آن در میان اجزای کلام و یا در میان دو کلام متصل به هم، جایز شمرده و اعتراض را اعم از تزییل و تکمیل گرفته‌اند زمخشری و پیروان وی از این دسته‌اند. دسته دیگر با حفظ شرط «وقوع در وسط کلام» قید جمله بودن آن را لغو می‌کنند و عملاً وقوع مفرد و یا هر مرکب کمتر از جمله را جایز می‌شمرند و می‌گویند ممکن است محلی از اعراب هم داشته باشد (رازی: ۱).

نتایج بحث

۱. بنابراین، اسلوب اعتراض عبارتی است که در وسط یا در پایان و یا در آغاز اندیشه و پیام اصلی افزوده می‌شود؛ خواه مفرد باشد، خواه جمله و خواه کلام، خواه یک جمله و خواه بیشتر، و خواه محلی از اعراب داشته باشد و خواه نداشته باشد، خواه نکته بلاغی آن دفع ابهام خلاف مقصود باشد و خواه چیز دیگر.
۲. اندیشه اعتراض یک اسلوب بیانی است که در کنار اندیشه اصلی به نحوی با آن پیوند می‌خورد و رابطه معنوی میان آن دو، در گستره اعجازی قرآن رقم خورده است.

اسلوب اعتراض از نگاه تفسیری و علوم قرآنی

در حقیقت میدان‌داران اصلی اسلوب اعتراض در قرآن، پژوهشگران تفسیر ادبی قرآن و علوم قرآنی‌اند که تلاشهایی را در کشف این اسلوب در قرآن انجام داده‌اند البته این گروه در مورد اسلوبهای اعتراض در قرآن نوشتار ویژه‌ای را سامان نداده‌اند، لیکن آیات و جمله‌های اعتراض را در گستره آیات قرآن، شناسایی کرده‌اند و اغراض و آثار و نکته‌ها و حقایق بلاغی و اعجاز بیانی و همچنین احکام فقهی و کلامی آنها را به تناسب مقام بیان داشته‌اند. در نتیجه حدود ششصد آیه از قرآن کریم را به عنوان معترضه معرفی کرده‌اند، ولی هرگز به جمله‌های معترضه به عنوان اسلوبی از اسالیب اعجاز بیانی ننگریسته و نگارشی را در این زمینه سامان نداده‌اند.

موارد کاربردی اسلوب اعتراض در قرآن

پژوهشگران حوزه ادب و جویندگان مناهل زلال قرآن کریم، موارد کاربردی اسالیب اعتراض در قرآن را در چارچوب قوانین نحوی و بلاغی بررسی کرده‌اند، اما آن را با نگرش کلی و به عنوان یک اسلوب در ساختارهای ادبی در گستره آیات قرآن به گونه نهادینه، مورد بررسی قرار نداده‌اند. ما نیز بررسی همه جانبه آن را به وقت دیگر موکول می‌کنیم و تنها به تعدادی از آنها اشاره می‌نماییم. اسلوب اعتراض با توجه به انواع فراوان آن از جهت طولانی و کوتاه بودن کلام، به چند دسته تقسیم می‌گردد:

الف - دسته‌ای که به گونه یک جمله کامل به کار رفته است.

ب - در دسته دیگر اسلوب اعتراض به صورت دو جمله قرار گرفته است.

ج - و در دسته سوم به گونه بیش از دو جمله رخ نموده است.

ما در این مقاله تلاش خواهیم کرد که از هر مورد نمونه‌ای را به صورت گذرا ارائه کنیم و از این رهگذر سیمای کلی اسلوب اعتراض را در معرض دید پژوهندگان ادب قرآنی قرار بدهیم.

الف - نوع اول: خود دارای گونه‌های فراوانی است، و می‌تواند به تعداد انواع اسالیب اعتراض در قرآن باشد ما به جهت اختصار تنها یک نمونه از آن را توضیح

می‌دهیم و گزارش تفصیلی آنها را به وقت دیگری موكول می‌نماییم. خداوند می‌فرماید: «و إذا بدلنا آية مكان آية و الله أعلم بما ينزل إنما أنت مفتر بل أكثرهم لا يعلمون» (نحل: ۱۰۱). چنان‌که روشن است، جمله «و الله أعلم بما ينزل» یک جمله اسمیه و کامل است و در میان جمله شرط و جواب آن فاصله شده و نوع شرط، استقبال و ادات آن «اذا» است. و این جمله مرکب از مبتدا و خبر است و فایده آن اعلام و هشدار به کسانی است که به پیامبر وحی (ص) افترا می‌زنند و می‌گویند: وی به خدا افترا می‌زند آیه تأکید می‌نماید که قرآن از جانب خداوند است. و رسول خدا تنها نقش ابلاغ کننده دارد و حتی توان آوردن یک جمله مثل قرآن را هم ندارد. علاوه بر آنکه او پیامبر صادق و مصدق است، خداوند حال او را بهتر از شما می‌داند. بنابراین، او راست می‌گوید و شما باید تسلیم امر وی شوید. (علوی ۱۹۱۴: ۲/ ۲۸۸).

ب - نوع دوم که اسلوب اعتراض در ساختارهای متنوع و به گونهٔ بیش از یک جمله رخ نموده، با شاکله‌های گوناگون خود، تابلوهای بسیار زیبایی را به تفسیر کشیده و از این رهگذر شیرینی و دلربایی وصف‌ناپذیری در آیات به نمایش نهاده است، در اینجا باز تنها یک نمونهٔ آن را توضیح می‌دهیم: «و إذ قال لقمان لابنه و هو يعظه يابني لا تشرك بالله إن الشرك لظلم عظيم و وصينا الانسان بوالديه حملته أمه وهنا علي وهن و فصالة في عامين أن اشكر لي و لوالديك إلى المصير» (لقمان: ۱۳-۱۴). جمله‌های «حملته أمه و فصالة في عامين» میان فعل «وصينا» و مفعول آن: «أن اشكر لي...» به عنوان معترض فاصله شده و غرض و پیام آن، یادآوری فرزندان به رنج و زحمت بی‌شماری است که مادر در دوران بارداری و وضع حمل، متحمل شده است. یادآوری و تأکید بر آن دو، از میان مشقات مادر، به هدف توصیهٔ بیشتر در رعایت حقوق مادر صورت گرفته است، چون رنجهایی که مادر در این رهگذر بر خود هموار می‌نماید، هرگز پدر یا هیچ کس دیگری برای فرزندان متحمل نمی‌گردد.

از همین‌رو، رسول خاتم(ص) در پاسخ جوانی که پرسیده بود: به چه کسی نیکی نمایم؟ فرمود: «امك ثم امك ثم امك، ثم اباك» (زمخشری ۳ / ۳۵۹: زرکشی ۱۹۷۹: ۳ / ۵۸: محمد ابوموسی ۱۴۰۸: ۴۵۳).

ج - گروه سوم آیاتی هستند که بیش از دو جمله به عنوان معترضه قرار گرفته و به گونه‌های فراوانی به تصویر کشیده شده‌اند. ما در این قسمت هم تنها یک نمونهٔ آن را توضیح می‌دهیم و به برخی از موارد دیگر نیز اشاره می‌کنیم: «يطوفون بينها و بين حميم ءان - فبأى ءالاء ربكما تكذبان - و لمن خاف مقام ربه جنتان - فبأى ءالاء ربكما تكذبان - ذواتا أفنان - فبأى ءالاء ربكما تكذبان - فيهما عينان تجريان - فبأى ءالاء ربكما تكذبان - فيهما من كل فاكهة زوجان - فبأى ءالاء ربكما تكذبان - متكئين على فرش بطائنها من إستبرق وجنى الجنتين دان» (الرحمن: ۴۴-۵۵). در صورتی که «ذواتا أفنان» خبر مبتدای محذوف و «متكئين على فرش...» حال از فاعل در «خاف» به اعتبار خانفین باشد، تعداد جمله‌های مستقل معترضه، هفت عدد است و در صورتی که «ذواتا...» صفت «جنتان» باشد، تعداد آنها شش عدد خواهد بود که میان حال و ذوالحال قرار گرفته‌اند (سیوطی: ۱ / ۲۲۲). در سورهٔ هود آیهٔ ۴۴ سه جمله، در سورهٔ فصلت آیه‌های ۴۱-۴۴ ده جمله، در صفات ۱۳۸ آیه، در ص و القرآن ۶۳ آیه، در مدثر ۳۴ آیه و در عنكبوت حدود هفت آیه به عنوان معترضه فاصله شده است. این مسئله به دلیل غیرمتعارف بودن آن مورد انکار بدرالدین زرکشی قرار گرفته است: اما جای تحقیق و نقد و بررسی جدی دارد. (زمخشری: ۴ / ۴۸ و ۵۲۲: زرکشی ۱۳۹۱: ۳ / ۶۲).

د - دستهٔ چهارم از اسالیب اعتراض در قرآن، اعتراض در اعتراض است. اسلوب اعتراض در اعتراض در قلمرو آیات قرآنی نمونه‌های بسیاری دارد و ما تنها به ذکر یک نمونهٔ آن بسنده می‌نماییم: «فلا أقسم بمواقع النجوم - و إنه لقسّم لو تعلمون عظیم» - إنه لقرءانٌ كَرِيمٌ (الواقعه: ۷۵ - ۷۷). در همین آیات، همان‌گونه که در پیش توضیح دادیم، جمله‌های «و إنه لقسّم... عظیم» معترضه بوده و در درون آن نیز

اسلامی. ۲۴. بزرگداشت و ارج گذاری موضوع اصلی کلام و اندیشه.

صدها، بلکه هزاران نکته و غرض بلاغی و هدایتی دیگر نیز وجود دارد که یک پژوهشگر ژرف‌نگر می‌تواند در بررسی عرصه‌های آیات سور قرآنی به دست آورد. نظم و چینش و آرایش حروف و کلمه‌ها و جمله‌ها و آیات قرآنی با علم و حکمت علی‌الاطلاق خدای سبحان و با تدبیر رسول گرامی اسلام (ص) - که عقل نخستین و عقل کل بود - سامان یافته و از این رو دارای اسرار نهفته فراوانی است که باید با تلاش پژوهندگان حقایق زلال قرآنی کشف گردد. ما در این مجال کوتاه تنها به چند نمونه آن برای شفافیت و استوارسازی سخن اشاره کوتاهی داریم و تفصیل آن را به فرصت دیگری موکول می‌کنیم.

الف - اعتراض جهت تقریر و تثبیت پیام اصلی

«قالوا تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد في الارض و ما كنا سارقين» (یوسف: ۷۳).

خوب روشن است که جمله «لقد علمتم» با «لام» تأکید و «قد» تحقیقیه، جهت تقریر و استوارسازی کلام اصلی و تأکید بر آگاهی یوسف و کارگزاران حکومت از بی‌گناهی فرزندان یعقوب و تبرئه آنان از تهمت سرقت آمده؛ است برادران یوسف جهت اثبات آگاهی حکومت از بی‌گناهی آنان، جمله را با سوگند آغاز کرده و با جمله «لقد علمتم» در آن به شدت مبالغه کرده‌اند (علوی ۱۹۱۴: ۱۷۱/۲).

ب - اعتراض تنزیهی

«و يجعلون لله البنات - سبحانه - و لهم ما يشتهون» (النحل: ۵۷).

«سبحانه» جمله معترضه فعلیه بوده و میان معطوفین قرار گرفته است. «سبحانه» مصدر مضاف و به منظور تنزیه ذات اقدس ربوبی از اتخاذ بنات و مبالغه در انکار گفتار کفار است. مثل اینکه فرموده باشد: «و يجعلون لله البنات - و هو منزّه عن ذالک - و لهم ما يشتهون». این اسلوب به منظور تکریم و تعظیم مقام مقدس ربوبی و اعلام شناخت گفتار و اندیشه کفار و نکوهش چنین اندیشه ناپاکی است. اگر

جمله را حالیه بگیریم، این مبالغه در نکوهش و انکار اعتقاد و گفتار کفار را نمی‌رساند. (مغربی بی‌تا: ۲۳۹/۳).

ج - اعتراض تنزیهی

«و كصيب من السماء فيه ظلمات و رعد و برق يجعلون أصابعهم في آذانهم من الصواعق حذر الموت و الله محيط بالكافرين - يكاد البرق يخطف أبصارهم كلما أضاء لهم مشوا فيه و إذا أظلم عليهم قاموا و لو شاء الله لذهب بسمعهم و أبصارهم إن الله علي كل شيء قدير» (بقره: ۱۹-۲۰).

«و الله محيط بالكافرين» جمله اعتراضیه بوده و غرض و فایده آن هشدار است مبنی بر اینکه ترس از مرگ، سودی به حال منافقان ندارد، چرا که خالق کون و مکان بر همه عالم از جمله منافقان و کافران احاطه کامل دارد و همه آنان در قبضه قدرت اویند. بنابراین، ترس از مرگ سودی در تأخیر انداختن مرگ نخواهد داشت (زمرخسری ۱۴۰۱: ۱/ ۸۵-۸۷).

د - اعتراض وعد و وعیدی مانفند

«و كذلك جعلنا في كل قرية أكبر مجرميها ليمكروا فيها و ما يمكرون إلّا بأنفسهم و ما يشعرون» (انعام: ۱۲۳).

در این آیه کریمه، همان‌گونه که روشن است جمله «و ما يمكرون إلّا بأنفسهم» اعتراضیه است و منظور آن، وعده پیروزی به رسول خدا(ص) و تهدید توبیخ آمیزی برای کفار است. و همچنین با صراحت کامل اعلام می‌دارد که مکر و حيلة کفار تنها دامن خودشان را می‌گیرد، بدون آنکه آنها آن را درک نمایند (ابوالسعود ۱۴۱۹: ۱۸۲/۳).

ه - اعتراض ترغیبی

یکی دیگر از اسالیب اعتراض، اعتراض از نوع ترغیب شنوندگان و تشویق آنان به پاسداری از امور و ارزشهای انسانی و مقدسات است و در قرآن کریم مانند

اغراض دیگر حضور گسترده‌ای دارد. ما تنها به یک نمونه از آن اشاره می‌نماییم: «کلا إنها تذكرة - فمن شاء ذكره - في صحف مكرمة» (عبس: ۱۱-۱۲) «في صحف مكرمة» متعلق به عامل مقدر و صفت «تذكرة» بوده و جمله «فمن شاء ذكره» شرط و جزاء، جمله معترضه با «فاء» اعتراضیه است و منظور از آن همان ترغیب و تشویق شنوندگان به پاسداری از حریم مقدس و رعایت حرمت و عمل به اصول آن است. (زمنخشی ۱۴۱۵: ۷۰۲/۴).

و- اعتراض تبرک

یکی دیگر از اسالیب حکیمانه اعتراض در قرآن کریم، اسلوب تبرک است: «لقد صدق الله رسوله الرءيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام إن شاء الله آمنين محلقين رءوسكم ومقصرين لا تخافون فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحا قريبا» (فتح: ۲۷) جمله شرطیه «ان شاء الله» میان حال و ذوالحال معترضه واقع شده و یکی از اغراض آن تبرک جستن به اسم جلاله - جل شأنه - است، چرا که ورود به مسجد الحرام در سال هفتم و هشتم هجری با امنیت کامل، برای مسلمانان به همراه پیامبر(ص) در علم الله قطعی بوده و جمله «ان شاء الله» ظاهراً جهت تبرک آمده است، گرچه هدف مهم آن اثبات قدرت مطلقه حق است که در هر صورت قدرت و توان نهایی در دست اوست. درست است که خداوند وعده فرموده و وعده او هم حق و عملی است، اما باز تصمیم نهایی در دست اوست، چون: «يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده أم الكتاب» (رعد: ۳۹)؛ دفتر محو و اثبات در دست قدرت اوست.

ز- اعتراض ستایشی و مدح

یکی دیگر از اغراض حکیمانه اعتراض در قرآن، ستایش و مدح قهرمانان پیام و اندیشه اصلی برای تشویق شنوندگان به پیروی از آنان است: «و زكريا و يحيى و عيسى و إلیاس كل من الصالحين...» (انعام: ۸۵). چون جمله «كل من الصالحين» اعتراضیه بوده و منظورش ستایش و تعریف و معرفی مقام والا و ارجمند انبیای الهی

بوده است. آنگاه به شمارش انبیای دیگر ادامه می‌دهد و می‌گوید: «و إسماعیل و الیسع و یونس و لوطاً و کلاً فضلنا علی العلمین». (ابوالسعود ۱۴۱۹: ۴/۲۶۴).

ح- اعتراض اجمال و تفصیلی

اجمال و تفصیل یکی از اسالیب بسیار جذاب اعتراض است، چون در دل شنوندگان تأثیر بیشتری می‌گذارد: با اجمال نفوس را آماده و تشنه شنیدن می‌کند و با تفصیل آن را کاملاً جا می‌اندازد. در حقیقت در این اسلوب، شنوندگان جریان قصه و عاقبت آن را از پیش می‌دانند: «و قال الّذي اشتراه من مصر لامرأته أكرمي مثواه عسي أن ينفعنا أو نتخذه ولذا و كذلك مكثا ليوسف في الارض و لنعلمه من تأويل الأحاديث و الله غالب علي أمره و لكن أكثر الناس لا يعلمون - و لما بلغ أشده ءاتيناه حكماً و علماً و كذلك نجزي المحسنين - و راودته الّتي هو في بيتها عن نفسه و غلقت الأبواب...» (يوسف: ۲۲-۲۳). از «كذلك مكثا ليوسف في الارض... كذلك نجزي المحسنين» معترضه است و به عنوان نمونه اجمال و خلاصه و دورنمای داستان يوسف مطرح شده است (ابوالسعود ۱۴۱۹: ۴/۲۶۴).

همان گونه که در پیش یادآور شدیم، بررسی همه صور اعتراضی و نکته‌های اعجازی و بلاغی و دیگر زوایا و افقهای ناپیدای آن، در گستره آیات قرآن کریم، در توان هیچ پژوهشگری نیست، چون نوع و فایده و اغراض بلاغی اعتراض در قرآن، مربوط به نوع دلالت سیاق و مضمون و نظم و چینش و آرایش و قرائن آمیخته بدان و لحن اسالیب اعتراض - با آن حجم بزرگ قریب به هزار جمله و کلام است. بدیهی است که سیاق و نظم و اسلوب اعتراض در قرآن و چشم‌انداز بلاغی و... آن از حوصله شمارش بیرون است. از سوی دیگر، محدود نمودن اغراض اسلوب حکیمانه اعتراض به امور معین، برخلاف دقت‌های علمی است و در بررسی همه جانبه آن ممکن است هزاران نکته جدید به دست آید.

نتایج

از نقد و بررسی مسائل اسلوب اعتراض در قرآن چنین نتیجه می‌گیریم:

۱. بحث و بررسی و پژوهش اسالیب قرآن، از جمله اسالیب اعتراض - با عنایت به رسالت جهانی قرآن و با توجه به آیه «فیه تبیان کل شیء» و رسالت پژوهشگران اسلامی - امری ضروری است و حیات معنوی جوامع بشری و ادامه حیات جهان اسلام بدان بستگی کامل دارد. تنها با پژوهش و تحقیق و یافته‌های جدید است که به شبهات بیمارزدلان و نیاز نفوس تشنه امروز، پاسخ منطقی می‌توان داد.
۲. نقد و بررسی نگارشهای قرآنی در تاریخ اسلام نشان می‌دهد که دانشمندان اسلامی درباره اسالیب بیانی در قرآن کار چندانی نکرده‌اند و هنوز افقهای ناپیدای بسیاری از آن نیاز به بحث و بررسی دارد. به ویژه در مورد اسلوب اعتراض در قرآن تاکنون هیچ نگارشی در حوزه نگارشهای قرآنی و ادبی سامان نیافته است. این موضوع یکی از مباحث ضروری پژوهشهای قرآنی است.
۳. عالمان بلاغت و نحو، دید یکسانی در مورد اسالیب اعتراض ندارند، چرا که نحویان، آن را از بعد اعراب و بنا و عمده و فضله نگریسته‌اند، اما بلاغیان از جهت زیبایی و جایگاه آن در نظم چینش قرآن بدان توجه کرده‌اند.
۴. نحویان موارد اعتراض، بلاغت‌شناسان موارد و اغراض بلاغی، و میدان‌داران تفسیر و دانشهای قرآنی مورد به مورد آیات اعتراضی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند، اما هیچ‌یک از گروهها و مدارس یاد شده، اعتراض در قرآن را به گونه اسلوبی و با نگرش کلان و جایگاه آن در مجموعه قرآنی ننگریسته‌اند و این خلأ کماکان موجود و پرونده آن باز است.
۵. در این نوشتار جمله‌های معترضه و اسالیب آن به پنج گروه کلان تقسیم شده‌اند که هر گروه از آن در صورت بررسی همه جانبه، در خور یک نگارش مستقل پر حجم است. و در نتیجه هم افقهای نهان فراوانی در این زمینه وجود دارد که نیازمند تحقیق و بررسی است و هم بررسی این زوایای نهفته می‌تواند نقطه عطفی در تحول دیدگاههای تفسیری و به ویژه فقهی و حقوقی باشد.

۶. در مورد اغراض و اهداف و فواید اسلوب اعتراض در قرآن، به این نتیجه رسیدیم: آنچه پژوهشگران قرآنی و بلاغی. از اغراض بلاغی و غیر آن یادآور شده‌اند، ضمن آن که نیاز به نقد و بررسی دارد، کافی و کامل نیست و هنوز حجم بسیار سنگینی از این اغراض کشف نشده و نیاز به بحث و بررسی جهت درک عظمت قرآن کریم دارد.
۷. ارائه نمونه‌هایی از اغراض در قرآن، نشان داد که شناخت قرآن کریم و نظم و چینش اعجازانگیز آن، چقدر در جلب دل‌های آماده به سوی اسلام و قرآن کریم مؤثر است و شفاف‌سازی این نوع مسائل چقدر فهم و درک مقاصد خداوند و روابط آیات و مجموعه‌های قرآنی را ملموس و آسان می‌نماید.

طرح‌ها و پیشنهادهای

چنان که یادآور شدیم، با همه تلاشهایی که در مورد اسالیب اعتراض در لابلای مباحث قرآن انجام گرفته است، هنوز مفاهیم گوناگون بسیاری مطرح است که نیاز به تحقیق و تلاش علمی و فنی دارد؛ از جمله:

۱. شرایط اعتراض به عنوان یک اسلوب در دل قرآن کریم. ۲. انواع بی‌شمار اسلوب اعتراض در قرآن و بررسی ابعاد گوناگون آن. ۳. موارد اعتراض و نقش بلاغی آن در مجموعه اسالیب منظم قرآن. ۴. فواید اسلوب اعتراض و روابط آن با پس و پیش خود. ۵. اعتراض در نگاه نحویان و میدان‌داران بلاغت، اشتراک نظرها و افتراق آنها. ۶. بررسی همه موارد کاربردی اسلوب اعتراض در قرآن. ۷. نقد و بررسی دیدگاه مفسران فرق اسلامی در مورد اسلوب اعتراض. ۸. مقایسه کلی نظام اسالیب اعتراض در قرآن با اسالیب اعتراض در متون نظم و نثر عرب و اثبات اعجاز قرآن از این ناحیه. ۹. نقد و بررسی اسلوب اعتراض و آثار فقهی، کلامی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی آن در قلمرو آیات سور قرآنی. ۱۰. نقد و بررسی جایگاه اسالیب اعتراض در قرآن کریم، درگستره نظم حکیمانه آن.

کتابنامه

۱. ابن‌المعتز، عبدالله، البدیع، تحقیق: اغناطیوس کراتشوفسکی، بغداد، ۱۹۵۰.
۲. ابن‌جنی، ابوالفتح، الخصائص، تحقیق: محمد علی النجار، بیروت، دار الهدی، ۱۴۲۱ق.
۳. ابن‌درید، جمهرة اللغة، بیروت، دارالعلم، ۱۹۸۷.
۴. ابن‌منظور المصری، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزة العلمية، بی‌تا.
۵. ابوالسعود، ارشادالعقل السليم الى مزايا القرآن کریم، تحقیق: عبداللطیف عبدالرحمن، بیروت، دارالکتاب، ۱۴۱۹ق.
۶. الانصاری، ابن‌هشام، مغنی اللیب، نشر ادب الحوزة العلمية، بی‌تا.
۷. التفتازانی، سعد الدین، المطول، ایران ناصر خسرو، کتابچی، بی‌تا.
۸. الجوهري اسماعيل، صحاح اللغة، تحقیق: احمد حوفی و بدوی، مصر دارالنهضة، بی‌تا.
۹. الخفاجی، د.عبدالمنعم، شرح شواهد الكتاب لسبويه، القاهرة، مكتبة التوحيد.
۱۰. الرازی، فخرالدین، نهاية الایجاز، قاهره، دارالکتاب، بی‌تا.
۱۱. رجب، رضیة، التصريف فی القرآن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، بی‌تا.
۱۲. الزرکشی، بدر الدین، البرهان فی العلوم القرآن، مصر، عیسی البابی، ۱۳۹۱ق.
۱۳. الزمخشري، محمود، اساس البلاغة، قاهره، دارالکتاب، ۱۴۰۱ق.
۱۴. الزمخشري، محمود، الکشاف، قم، نشر ادب الحوزة العلمية، بی‌تا.
۱۵. الزویعی، د.طالب محمد اسماعیل، من اسالیب التعبير القرآنی، بیروت، دارالنهضة، ۱۹۶۶.
۱۶. السیوطی، عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، مصر، القاهرة، دارالکتاب، ۱۹۷۳.
۱۷. السیوطی، عبدالرحمن، معجم الهوامع فی علوم القرآن، قاهره، دارالکتاب، ۱۴۰۱ق.
۱۸. العلوی، یحیی بن حمزة، الطراز المتضمن لاسرار البلاغة، قاهره، المقتضب، ۱۹۱۴.
۱۹. الفارسی، ابوعلی، المسائل الحلیات، تحقیق: ناصر البدر، ریاض، مكتبة الرشید، ۱۴۰۷ق.
۲۰. الفیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، مصر، مكتبة مصطفى البابی، ۱۳۷۱ق.
۲۱. الفیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، تحقیق: محمد محیی الدین، الازهر، ۱۳۴۷ق.
۲۲. قدامة بن جعفر، نقد الشعر، تحقیق: د.عبدالمنعم الخفاجی، قاهره، مطبعة السعادة، بی‌تا.

٢٣. القيرواني ابن رشيق، العمدة في محاسن الشعور آدابه، تحقيق: محمد قرفزان، قاهره، ١٩٩٩.

٢٤. محمد ابو موسى، محمد، البلاغة القرآنية في تفسير الزمخشري، مصر مكتبة و هبة الزحيلي، ١٤٠٨ق.

٢٥. المغربي وآخرون، شروح التلخيص، افست، ايران، بي تا.

٢٦. ناصر البدر بدر الدين، اختيارات ابي حيان النحوية في البحر المحيط، قاهره، دارالكتاب، ١٤٢٠ق.